

بررسی افتراقات و اشتراکات خمس با مالیات

سید مرتضی میری^۱

چکیده

خمس یکی از واجبات اکید دین اسلام و مذهب شیعه است که به اموری از جمله درآمد تعلق می‌گیرد، به این معنی که واجب است هر مسلمان یک‌پنجم مازاد درآمد خود را به عنوان خمس بپردازد. از طرف دیگر حکومت اسلامی نیز مردم را ملزم به پرداخت مالیات کرده است. ابهامی که در اینجا وجود دارد، این است که با وجود خمس، چه لزومی در گرفتن مالیات از جانب حکومت اسلامی وجود دارد؟ آیا نمی‌توان بین این دو مدیریت کرد، به این معنی که مردم ملزم به پرداخت یکی از آن دو شوند؟ بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد هر کدام از خمس و مالیات، اهداف و غرض‌هایی دارند که جایگزین شدن آنها نسبت به یکدیگر، امکان‌پذیر نیست. پاسخ دقیق‌تر، مرهون بررسی وجوه قابل ذکر اشتراکات و افتراقات خمس و مالیات است که نیازمند تحقیق همه جانبه در این موضوع است و تحقیق حاضر آن را بر عهده گرفته است که هدف از آن روشن شدن حدود و اندازه هر کدام از خمس و مالیات و فرق بین آنها می‌باشد. لازم به ذکر است که این تحقیق با گردآوری مطالب و تبیین و تحلیل آنها از طریق کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: خمس، مالیات، منابع حکومت، وجوه شرعیه.

۱. طلبه پایه نهم، مدرسه شهیدین علیه السلام قم.

رایانامه: aqaseedmiri@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۹۲۴۹۳۴۹۵۳



۱. مقدمه

هر حکومتی برای گذراندن امور خود، به منابع مالی نیاز جدی دارد و اگر حکومتی منابع مالی خوبی در اختیار نداشته باشد، دوام چندانی نخواهد داشت و لو آن حکومت، حکومت اسلامی باشد؛ به همین علت حکومت اسلامی هم به منابع مالی که او را تأمین کند و خواسته‌های او را انجام دهد، نیاز دارد و دین مبین اسلام برای تأمین این نیازها راهکارهای فقهی و عملی داده است، که بعضاً جنبهٔ تکلیفی و حکمی دارد؛ به این معنا که بر اشخاص با شرایط خاصی واجب است این نیاز مالی را تأمین کنند.

یکی از مواردی که نوعی مالیات به حساب می‌آید و نیازهای مالی حکومت اسلامی را تأمین می‌کند، خمس است. اما شاید خمس به تنهایی نتواند امور مالی حکومت را عهده‌دار شود، حتی اگر امور دیگری مانند زکات، خراج، جزیه و... بر اشخاص نصب شده باشد؛ چراکه این موارد به امام حاضر و در زمان غیبت او به فقیه جامع الشرایط تعلق می‌گیرد و در این حال نیازهای حکومت برطرف نمی‌شود؛ لذا در این حال حکومت برای پیشبرد منابع مالی و تأمین نیازهای جامعه، قانونی با عنوان مالیات، بر مردم وضع می‌کند که بتواند از این راه نیازهای جامعه را تأمین کند.

نصب مالیات بر درآمدها که بر اساس نیاز دولت مقرر می‌شود، یکی از سیاست‌های مالی ولی امر مسلمین است و مالیات از اساسی‌ترین پایه‌های تثبیت حکومت و قوام آن به‌شمار می‌آید؛ چراکه مال، نیرو و قدرتی است که می‌تواند به هر نیرویی قابل تبدیل باشد. (معرفت، ۱۳۷۷، ص ۱۴۳)

در این مسیر سؤال‌هایی پیش می‌آید؛ مانند اینکه فرق مالیات با دیگر احکام مالی اسلام که بر مسلمانان وضع شده است، چیست؟ آیا آنها عهده‌دار تأمین نیاز نیستند؟ گذشته از اینها فرق آنها با مالیات چیست؟ و چه وجوه اشتراکی با یکدیگر دارند؟ پاسخ به سؤالات مذکور نیازمند تحقیق همه‌جانبه در این زمینه است و لذا از حجم یک مقاله بیشتر می‌باشد و چه بسا به عنوان یک پایان‌نامه جمع‌آوری شود؛ به همین علت در این مقاله مالیات با یکی از احکام مالی اسلام، خمس، مقایسه شده و به افتراقات و اشتراکات آنها پرداخته شده است.

البته مقالاتی مشابه این موضوع نگاشته شده است؛ مثل مقاله «بررسی تطبیقی مالیات



بر مجموع درآمد و خمس». (رضایی دوانی و دیگران (۱۳۹۱)، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، ش ۶۴، ص ۹۳ تا ۱۲۴) و مقاله «بررسی تطبیقی مالیات‌های اسلامی با مالیات‌های حکومتی». (بابانی، بهار (۱۳۹۶)، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، ش ۱۸، ص ۶۹ تا ۸۰) لکن این مقالات بیشتر به مالیات و خمس به عنوان یکی از منابع مالی حکومت نگاه کرده‌اند و البته در این مسیر تفاوت‌هایی نیز بین آنها بیان شده است؛ به همین علت تحقیق حاضر سعی دارد فرق مالیات با خمس را بررسی کرده و با ذکر وجوه اشتراکات و افتراقات بین آن دو، تحقیق کامل تری انجام دهد.

۲. تبیین مفاهیم اساسی

۲-۱. خمس

خمس در لغت اینگونه بیان شده است؛ الخمس: جزء من خمسة؛ (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۰۵) یعنی یک قسمت از پنج. و همچنین الخاء و المیم و السین أصل واحد، و هو فی العدد و الخمس: واحد من خمسة؛ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۱۷) به این معنا که خمس در اعداد استفاده می‌شود و به یک پنجم از پنج را خمس می‌گویند.

اما در اصطلاح خمس را این‌گونه تعریف کرده‌اند: یک پنجم حق ثابت در اموال انسان. خمس عبارت است از ثبوت حقی به مقدار یک پنجم در اموال انسان که خداوند برای خود، رسول خدا ﷺ، امامان معصوم علیهم‌السلام و به جای صدقه و زکات، برای مستحقان از بنی‌هاشم، بر بندگان واجب کرده است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۴۹۵)

ارتباط معنای لغوی و اصطلاحی خمس با یکدیگر مشخص است به این معنا که معنای یک پنجم، هم در لغت و هم در اصطلاح دیده می‌شود.

۲-۲. مالیات

مالیات در لغت این‌طور تعریف شده است: جمع مالیه است و مالیه مصدر صناعی می‌باشد؛ یعنی هر چیزی که ویژگی مال بودن و مالیت را داشته باشد و در اصطلاح: پولی که دولت از اشخاص و مؤسسات می‌گیرد یا پولی که دولت برای کارهای عمومی و اداره کشور از مردم می‌گیرد یا وجوهی که مأموران دولت بر حسب قانون از صاحبان املاک،



اراضی، مستغلات و غیره می‌گیرند و یا سهمی است که به موجب اصل تعاون ملی و بر وفق مقررات هر یک از سکنه کشور موظف است که از ثروت و درآمد خود به منظور تأمین هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اقتصادی یا سیاسی یا اجتماعی کشور به قدر قدرت و توانایی خود به دولت بدهند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۰۱)

مالیات اقسامی دارد، مالیات بر زمین‌های زراعتی، مالیات غیر مستقیم، که مالیات دهنده به صورت غیر مستقیم می‌پردازد مثل مالیات قند، شکر و بنزین که بر قیمت اجناس افزوده می‌شود و در ضمن خرید جنس پرداخته می‌شود و مالیات مستقیم مثل مالیات بر درآمد یا مستغلات. (همان)

شاید خواننده در کتب فقها در ذیل مباحث زکات، خراج، جزیه، عشور و... لفظ مالیات را ببیند (حسینی نجومی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۲؛ منتظری، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۳۳۴ و ج ۸، ص ۱۸۷ و ۲۰۷؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۴۵) و برای او این سؤال مطرح شود که موضوع بحث ما درباره چه نوع مالیاتی است؟ در جواب بیان می‌کنیم، بحث ما فقط در باب همان تعریفی می‌باشد که بیان شد؛ یعنی اشتراکات و افتراقات خمس با مالیاتی که حکومت و دولت می‌گیرند و این مطلب و تأیید آن در قسمت افتراقات ذکر خواهد شد.

طبق بررسی‌های انجام‌شده، خمس از جنبه‌هایی با مالیات اشتراکات و شباهت‌هایی دارد و در انجام عمل شبیه به یکدیگر هستند و در مقابل، از جنبه‌های دیگری، تفاوت و افتراقاتی هم دارند و چه‌بسا در یک مصداق هم ممکن است شباهت یا تفاوت داشته باشند و جنبه افتراقات آنها بیشتر از جنبه اشتراکات آنها است و به همین علت اول اشتراکات خمس و مالیات و بعد افتراقات آنها بررسی می‌شود.

۳. بررسی اشتراکات خمس و مالیات

در مرحله اول اشتراکات خمس با مالیات بیان می‌شود؛ به این علت که به صورت جداگانه بررسی نشده‌اند و ذیل یک عنوان بیان شده‌اند.

۳-۱. مالیات بر درآمد و منفعت کسب

یکی از چیزهایی که خمس در آن واجب می‌شود، منفعت کسب است که بعد از گذشت یک سال، اگر از مخارج سال شخص و خانواده‌اش زیاد بیاید، خمس یک‌پنجم آن واجب



می‌شود. در مسأله مالیات هم این‌گونه است که مواردی از قوانین مالیات بر درآمد و کسب، پس از گذشت یک سال اجرا می‌شود؛ مانند لایحه قانونی مالیات بر درآمد حقوق مصوب ۱۳۵۹/۰۴/۲۱ (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)^۱ که این مسأله هم مانند خمس، بعد از یک سال از درآمد سالانه شخص کسر می‌گردد، حال این مبلغی به‌عنوان مالیات کسر گردد یا به هر اسم دیگر، و لذا در خروج مال بعد از یک سال شبیه به یکدیگر می‌باشند. (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۴۲۰)

۲-۳. از جهت زمان پرداخت

خمس در حالت‌های مختلف، زمان خاصی برای پرداخت دارد؛ مانند: خمس منفعت کسب پس از یک سال یا خمس غنیمت یا خمس گنج که بعد از به‌دست آوردن و کسر مخارج و به‌نصاب رسیدن، خمس آن را می‌دهند. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۱۶۲ به بعد؛ امام، ۱۳۹۲، ص ۳۰۴ و ۳۱۶) در مالیات هم به‌همین نحو است که در انواع قوانین مالیات، زمان‌های خاصی برای پرداخت تعیین شده است؛ مانند: مالیات بر ارث و پرداخت مالیات بر درآمد یا ارزش افزوده که زمان خاصی برای پرداخت دارد؛ در اولی بعد از مردن، در دومی در ماه یا در سال کسب و در سومی، هنگام خرید، زمان پرداخت مالیات است (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).^۲ مرحوم لاری هم در مورد به‌موقع بودن اخذ مالیات در رساله‌اش اشاراتی کرده است. (لاری، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۴۴) با این بیان، خمس و مالیات از جهت داشتن زمان پرداخت شبیه به یکدیگر می‌باشند.

۳-۳. از جهت طریقه مصرف

همان‌طور که در تعریف مالیات بیان شد، مالیات را برای نیازهای عمومی، رفع مشکلات اقتصادی و نیازهای دیگر جامعه مصرف می‌کنند، خمس هم از یک جهت برای رفع نیازها و مشکلات افرادی که به آنها خمس تعلق می‌گیرد، وضع شده است، هرچند در احکام شرعی علت تأمه یک حکم شرعی را نمی‌توان بیان کرد، اما بزرگان و فقهای ما بعضی از علت‌ها را

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99064>

۲. لایحه قانونی مالیات بر درآمد حقوق مصوب ۱۳۵۹/۰۴/۲۱، از قانون مالیات‌های مستقیم، ماده

۱۷ اصلاحی ۱۳۹۴/۰۴/۳۱: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/935643>



با کمک احادیث بیان کرده‌اند، که در مثل این عنوان، یک سهم از خمس به سادات فقیر یا در راه مانده می‌رسد، (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۲۷؛ امام، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۸۴) پس خمس و مالیات از جهت رفع نیازهای اقتصادی و رفع مشکلات و امثال آن، با یکدیگر شباهت دارند.

۳-۴. از جهت حد نصاب و واجب شدن

همان‌طور که در پرداخت خمس در موارد آن، در صورتی واجب می‌شود که به حد نصاب برسد؛ مثلاً در گنج، معدن یا غوص، حد نصابی برای وجوب خمس تعیین شده است که اگر آن را دارا بود خمس بر آن واجب می‌شود. (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ق، ج ۱، ص ۴۹۵؛ امام، ۱۳۹۲، ترجمه محمد قاضی‌زاده و علی اسلامی، ج ۲، ص ۸۷) مالیات هم به همین نحو می‌باشد و تعلق مالیات به مواردی از انواع مالیات، منوط به رسیدن آن به حد نصاب و مقدار مشخص است؛ مانند ماده ۳ از لایحه قانونی مالیات بر درآمد حقوق مصوب ۱۳۵۹/۰۴/۲۱ که بیان می‌کند: تا ۳۶۰۰۰۰ ریال درآمد از شمول مالیات سالانه معاف است (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).^۱ پس روشن شد که در مواردی از قوانین مالیات نیز مانند خمس، حد و مرزی برای پرداخت آن وضع شده است.

۳-۵. از جهت نحوه محاسبه

نحوه محاسبه خمس، به این نحو است که ابتدا مخارج اصلی مثل نفقات، هزینه و مؤونه‌های این نوع از پرداخت‌ها را جدا می‌کنند، سپس از باقی مانده آن خمس را حساب می‌کنند؛ مثلاً در خمس گنج، اگر بعد از کسر مخارجی که برای یافتن آن هزینه شده است، به اندازه نصاب گنج چیزی باقی ماند، خمس بر آن تعلق می‌گیرد. همچنین، خمس غنیمت پس از کسر هزینه‌های مربوط به نگهداری یا حمل و نقل آن پرداخت می‌گردد. (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ق، ج ۱، ص ۴۶۹؛ امام، ۱۳۹۲، ص ۳۱۳ و ۳۱۶)

در مالیات هم در مواردی پس از کسر هزینه‌هایی مانند هزینه‌های شخص یا درآمد شخص، مقدار مالیات را مشخص و حساب می‌کنند؛ مانند ماده ۶ لایحه قانونی اصلاح مالیات حقوق مصوب ۱۳۵۸/۰۱/۲۸، که بیان کرده است: پرداخت‌کنندگان حقوق هنگام

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99064>

هر پرداخت یا تخصیص آن مکلفند مالیات متعلق را پس از وضع معافیت‌های مقرر در مورد مزد یا مقرری یا حقوق اصلی و مزایای مستمر براساس درآمد سالانه و با توجه به این که حقوق‌بگیر اساساً در چه مدت هر سال می‌تواند درآمد مزبور را تحصیل نماید به شرح زیر:

- تا ۴۸۰۰۰۰۰ ریال حقوق سالانه پس از کسر ۳۶۰۰۰۰۰ ریال به نرخ ۱۰٪
- نسبت به مازاد ۴۸۰۰۰۰۰ ریال حقوق سالانه تا ۷۲۰۰۰۰۰ ریال به نرخ ۱۲٪
- نسبت به مازاد ۷۲۰۰۰۰۰ ریال حقوق سالانه تا به نرخ مقرر در ماده ۱۳۴

کسر و ظرف سی روز با صورتی حاوی نام و نشانی دریافت‌کنندگان حقوق و میزان آن به اداره امور اقتصادی و دارایی محل تأدیه کنند و در ماه‌های بعد فقط تغییرات را صورت دهند. (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).^۱

البته در مثال‌هایی که برای نحوه محاسبه خمس بیان شد یا در دیگر موارد حساب کردن خمس، باید هر چیزی که باقی مانده است را دقیقاً و کامل حساب کنند و موردی باقی نماند و مالیات هم از حیث دقت و کامل بودن، به همین نحو می‌باشد؛ مانند ماده ۲۲۷ اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷: در مواردی که اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان مؤدی حسب مورد قبول می‌شود و همچنین پس از تشخیص علی‌الرأس و صدور برگ تشخیص، چنان‌چه ثابت شود مؤدی فعالیت‌هایی داشته است که درآمد آن را کتمان نموده است و یا اداره امور مالیاتی در موقع صدور برگ تشخیص از آن مطلع نبوده است، مالیات باید با محاسبه درآمد ناشی از فعالیت‌های مذکور تعیین و ما به التفاوت آن با رعایت مهلت مقرر در ماده (۱۵۷) این قانون مطالبه شود. (همان)^۲

با این بیان روشن می‌شود که خمس و مالیات از جهت محاسبه کردن و جدا کردن هزینه‌ها و همچنین از جهت کامل و دقیق حساب کردن، شبیه به یکدیگر می‌باشند.

۳-۶. از جهت معاف بودن

این طور نیست که خمس به همه تعلق بگیرد و شامل همه افراد بشود، بلکه به کسانی تعلق

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98087>

2. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91488>





می‌گیرد که اوصاف آن را داشته باشند؛ مثلاً در منفعت کسب، اگر شخص از تجارت، صنعت و یا مانند آن، مالی را به دست بیاورد و اگر این مال بیش از نیاز خود و خانواده‌اش باشد، باید خمس این مقدار اضافه را بدهد ولی اگر این مال زیاده‌تر از آن مخارج گفته شده نباشد، خمس ندارد. (امام، ۱۳۹۲، ص ۳۰۴) مالیات هم به همین نحو می‌باشد و این‌طور نیست که به همه تعلق بگیرد، بلکه در مواردی از قانون مالیات، اقشاری از پرداخت مالیات معاف هستند؛ چراکه شامل قانون آن نمی‌شوند؛ مانند ماده ۵۰۵ مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ که می‌گوید: خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی از پرداخت هزینه عوارض و مالیات و هرگونه هزینه دیگر معاف می‌باشد (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).^۱ و همین‌طور در قانون حمایت از حقوق معلولان در فصل یکم در ماده ۲۵، ولی فرد معلول با شرایطی از پرداخت مالیات معاف است. (همان)^۲

پس روشن شد که خمس از جهت معافیت به‌خاطر فقر مالی و کم‌بضاعتی با مالیات شباهت دارد.

۳-۷. تعلق گرفتن به همه با فراهم بودن شرایط

یکی از آراء معروف در بین فقها در احکام عبادات حاکی از این است که: عبادات بر همه واجب است و حتی شامل شخص کافری می‌شود که به شرایط تکلیف رسیده‌است، اما اگر کافر یا هر کسی که مسلمان نیست عباداتی که اسلام واجب کرده است را انجام دهد، از او قبول نیست؛ چون یکی از شرایط صحت که تدین به دین اسلام است را ندارد. شیخ طوسی در الخلاف در کتاب الحج ذیل عنوان الکفار مکلفون بالفروع^۳ می‌فرماید: «لیس من شرط وجوب الحج الإسلام، لأن الکافر یجب علیه عندنا جمیع العبادات». (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۴۵).

خمس هم یکی از اعمال عبادی است که اگر شرایط آن فراهم باشد بر هر شخص مکلف، چه مسلمان یا غیر مسلمان، واجب است. (صاحب جواهر، ۱۴۲۱ ق، ج ۸، ص ۴۷۸) مالیات هم این‌گونه می‌باشد که همه اشخاص ملزم به پرداخت آن هستند؛ چراکه در تعریف

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/961876>

2. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1383849>

۳. برای اطلاع بیشتر ر. ک: القواعد الفقهية في فقه الإمامية.

هم گذشت که مالیات بر سکنه^۱ یک کشور تعلق می‌گیرد و همه موظف به پرداخت آن هستند و حتی در استفتائات امام خمینی به این مورد اشاره و چنین سؤال شده است که: آیا پرداختن مالیات در دولت جمهوری اسلامی واجب است؟ ایشان در جواب فرموده‌اند:

«بسمه تعالی، مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است». (امام، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۹۴)

همین‌طور در جایی دیگر سؤال کرده‌اند که: عده‌ای عقیده دارند چون خمس آل محمد ﷺ و سهم مبارک امام را پرداخت می‌کنند، اگر مالیات حقیقی و حقوقی خود را به دولت جمهوری اسلامی نپردازند و یا اصلاً مالیاتی را به دولت ندهند مرتکب خطا و لغزش نشده‌اند. که مرحوم امام در جواب فرموده‌اند:

«بسمه تعالی، مقررات جمهوری اسلامی، لازم‌المرعات است». (همان، ج ۵، ص ۱۷۳)

با این بیان، خمس و مالیات از جهت لازم بودن بر همه (با قطع نظر از شرایط هر کدام) به همه افراد تعلق می‌گیرد.

۴. بررسی افتراقات خمس و مالیات

بعد از بیان وجوه اشتراکات خمس با مالیات، افتراقات آن دو بیان می‌شود:

۴-۱. اختصاصات خمس

در خمس احکام و عناوینی وجود دارد که در مالیات این‌گونه نیست، که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۴-۱-۱. تاریخچه خمس

زمان وجوب خمس و اجرا شدن آن زمانی بود که مسلمانان در جنگ بدر بر سر غنیمت‌هایی که به‌دست آورده بودند درگیر، و بر سر آن نزاع داشتند؛ چراکه در زمان جاهلیت در جنگ‌ها و نبردها، فرمانده یک چهارم از اموال به‌دست آمده را برای خود برمی‌داشت، (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۳۳) اما در همان زمان که روز ۱۷ ماه رمضان سال دوم هجری بود، آیه خمس نازل شد و از آن لحظه به بعد مسلمانان را بر پرداخت خمس ملزم کرد.

۱. یعنی بر فرد فرد کسانی که در آن کشور زندگی می‌کنند.





(طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۸۳۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۷۱) قبل از آن، حکم شرعی با عنوان خمس وجود نداشت، اما مالیات از این حیث، با خمس متفاوت است؛ چون با مطالعه تاریخ بشر درمی‌یابیم که نام مالیات در آن به چشم می‌خورد که در قسمت اختصاصات مالیات این تفاوت ذکر خواهد شد.

۴-۱-۲. از احکام اولیه بودن خمس

خمس به طور مسلم از احکام اولیه^۱ می‌باشد؛ چراکه جعل حکم آن، بدون در نظر گرفتن حالت‌ها و عوارض می‌باشد؛ همانند وجوب نماز، روزه، حج یا طهارت آب گُر، خمس هم بدون در نظر گرفتن اضطرار و حرج و حالت‌هایی که بر مکلف ایجاد می‌شود، واجب می‌باشد، (صاحب جواهر، ۱۴۲۱ ق، ج ۸، ص ۴۲۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۸ ق، ج ۵، ص ۲۲۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۱۵) اما مالیات از احکام ثانویه است که در قسمت اختصاصات مالیات ذکر خواهد شد.

۴-۱-۳. تعیین و تصویب خمس

همان‌طور که در تاریخچه بیان شد، خمس و وجوب آن از طرف شارع مقدس جزء احکام الهی می‌باشد و فقط خداوند می‌تواند آن را به واسطه رسولش به عنوان حکمی برای مردم قرار دهد، (صاحب جواهر، ۱۴۲۱ ق، ج ۸، ص ۴۲۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۴۹۵) اما مالیات از سوی خداوند جعل نشده و نحوه تقنین آن در قسمت اختصاصات مالیات ذکر خواهد شد.

۴-۱-۴. متعلقات خمس

در احکام خمس آمده است که خمس فقط به هفت چیز تعلق می‌گیرد: غنیمت، منفعت کسب، گنج، معدن، غوص، مال مخلوط به حرام و زمینی که کافر ذمی از مسلمانی بخرد (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۴۰۹؛ امام، ۱۳۸۳، ترجمه محمد قاضی‌زاده و علی اسلامی، ج ۲، ص ۷۶) و بیش از این بر چیز دیگری دلالت ندارد، اما گستره مالیات خیلی بیشتر از خمس است و چه بسا به هر چیزی تعلق بگیرد همان‌طور که بیان خواهد شد.

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: فرهنگ نامه اصول فقه، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵.

۴-۱-۵. پاک شدن مالِ حلالِ آمیخته به حرام

یکی از خصوصیات خمس، این است که اگر شخص مالش با حرام مخلوط شده باشد و صاحب مال حرام را ولو در عددی که محصور است نشناسد و اصلاً به مقدار آن هم علم نداشته باشد، در این صورت، باید خمس آن مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و این منجر به حلال و پاک شدن مال و اذن در تصرف مال می‌شود، (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۱۶۳؛ امام، ۱۳۸۳، ترجمه محمد قاضی‌زاده و علی اسلامی، ج ۲، ص ۱۰۱) در حالی که پرداخت مالیات منجر به پاک شدن اموال نمی‌شود و این ویژگی مختص به خمس می‌باشد.

۴-۱-۶. مقدار خمس و شرایط پرداخت تابع حکم الهی

یکی از مهمترین نکات خمس این است که مقدار پرداخت آن توسط شارع تعیین شده است؛ یعنی مکلف باشرایطی، یک پنجم از هفت چیزی که خمس به آن تعلق می‌گیرد را پرداخت می‌کند و زیاده‌بودن یا کم‌بودن مالی که خمس به آن تعلق گرفته است، شرط نیست و از طرفی هم، هرچند در وجوه اشتراکات بیان شد که خمس با مالیات از جهت تعلق گرفتن بر همه شبیه است، اما از جهتی خمس، حکم خاصی دارد و آن جهت این است که در خمس باید شخص شرایط پرداخت را داشته باشد؛ به عنوان مثال در پرداخت بعضی از موارد خمس، رسیدن به حد نصاب واجب است یا در منفعت کسب در سال خمسی، هنگام محاسبه کردن، باید مال به دست آمده از مؤونه‌ها و هزینه‌های مکلف بیشتر باشد و اگر نباشد خمسی به آن تعلق نمی‌گیرد و در این صورت، مکلف از پرداخت خمس معاف می‌شود. (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۴۲۵؛ محقق حلی، ۱۳۴۶، ج ۲، ص ۶۲۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۴۶۴؛ امام، ۱۳۹۲، ص ۳۰۴، م ۱۷۵۲) اما این ویژگی خمس در مالیات به صورت کامل وجود ندارد و قوانینی وجود دارد که به سبب آن مالیات به همه افراد تعلق می‌گیرد که در اختصاصات مالیات ذکر خواهد شد.

۴-۱-۷. صاحبان خمس

خمس صاحبانی دارد؛ به این معنا که باید خمس را به آنها پرداخت کرد. با این توضیح، خمس به شش سهم تقسیم می‌شود: يك سهم برای خدای متعال، يك سهم برای پیغمبر ﷺ و يك سهم برای امام ﷺ است و در زمانه غیبت، این سه سهم باید در اختیار حضرت صاحب الامر ﷺ قرارگیرد و سه سهم دیگر به یتیمان، مساکین و ابن سبیل‌ها می‌رسد. از میان کسانی که از طرف





پدر به حضرت عبد المطلب، انتساب دارند، اگر از طرف مادر هم به او نسبت پیدا کنند، بنا بر قول صحیح‌تر، مصرف خمس برایشان حلال نیست ولی می‌توانند از صدقه استفاده کنند. (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۲۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۴۳۱)

در مورد اصل و کیفیت پرداخت خمس در زمان غیبت حدود ۱۴ قول وجود دارد، (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۴۴۴؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۴۴۴) اما به فتوای مراجع معاصر فقط به فقیه جامع‌الشرایط و یا به نمایندگان آنها پرداخت می‌شود. (امام، ۱۳۹۲، ص ۳۱۷، م ۱۸۳۴؛ خویی، ۱۴۲۲، ص ۳۱۵، م ۱۸۴۳)

لکن مالیات صاحب مشخصی ندارد و به بیت المال پرداخت شده و طبق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در موارد تعیین‌شده مصرف می‌شود و در کنار آن نظارت هم صورت می‌گیرد. (لاری، ۱۴۱۸، ص ۲۴۴)

۴-۱-۸. دست‌گردان کردن خمس

دست‌گردان، یکی از احکام فقهی است که در وجوه شرعی واجب بر شخص، صورت می‌گیرد؛ به این معنا که هنگام وجوب خمس بر شخص، اگر به هر علت، تمامی مبلغ خمس نباشد، حاکم شرع یا نماینده‌اش مبلغ خمس را از او می‌گیرند، سپس آن را به عنوان قرض به او می‌دهند یا مقداری از مبلغ خمس را که شخص در نزدش موجود است به حاکم می‌پردازد و حاکم قبول می‌کند و آن را به عنوان قرض به او پس می‌دهد و دوباره به عنوان باقی‌مانده بدهکاری خمس از او می‌گیرد تا جایی که خمسش ادا شود.

در مقابل، آن مبلغ بر ذمه شخص می‌آید و بدهکار حاکم می‌شود؛ چراکه در این صورت شخص اجازه دارد در اموالش تصرف کند و اموال برای او حلال باشد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۶۱۳) این مسأله مورد اختلاف فقهاء می‌باشد، (یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۹۶؛ امام و مراجع، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۲، م ۱۷۹۲ و ۱۸۵۲) در حالی که در مالیات، چیزی به اسم دست‌گردان کردن وجود ندارد.

۴-۱-۹. پرداخت خمس موجب تصرف در مال

در روایات ما در بحث خمس و اثرات آن اوصافی بیان شده است. در همین راستا در کتاب من لا یحضره الفقیه آمده است:

عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِنِّي لَأَخْذُ مِنْ أَحَدِكُمُ الدَّرْهَمَ وَإِنِّي لَنْ أَكْثَرَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ مَالًا مَا أُرِيدُ بِدَلِّكَ إِلَّا أَنْ تُطَهَّرُوا؛ (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۴) امام صادق عليه السلام می‌فرماید: با اینکه من از ثروتمندترین افراد مدینه هستم، اگر از شما مردم پولی می‌گیرم، فقط به این جهت است که شما پاک و پاکیزه شوید.

به این معنا که اگر مکلف خمس را که بر گردن او است پرداخت نکند، مال او پاکیزه نشده و آن مال برای او حلال نیست. این مطلب در کتب فقهی و توضیح المسائل فقها هم آمده است؛ بدین شرح که تا مکلف خمس مالش را ندهد، نمی‌تواند در آن تصرف کند؛ به‌عنوان مثال نمی‌تواند غذایی که در آن خمس باشد را بخورد و با پولی که خمس آن را نداده خرید و فروش کند و بدون اجازه حاکم شرع یک‌پنجم آن معامله باطل است، (فلاح زاده، بی‌تا، ص ۳۵۵) در صورتی که چنین حکمی در مالیات وجود ندارد و با عدم پرداخت آن، حق تصرف در اموال شخص از بین نمی‌رود.

۲-۴. اختصاصات مالیات

در این قسمت مواردی که به مالیات اختصاص دارد و در خمس نیست، بیان شده و اهمیت مالیات هم با بیان این مطالب روشن می‌شود:

۱-۲-۴. تاریخچه مالیات

هنگامی که به کتب تاریخی مراجعه می‌شود، خواننده به این نتیجه می‌رسد که سابقه مالیات به سال‌ها قبل از ظهور اسلام و وجوب خمس برمی‌گردد؛ (گزنفون، ۱۳۸۴، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ص ۳۰؛ دیود وروس سیسیلی، ۱۳۸۴، ترجمه حمید بیکس شورکایی و اسماعیل سنگاری، ص ۲۴۷) چراکه در این منابع قدمت مالیات را به قبل از میلاد مسیح برمی‌گرداند و به نظر آنان می‌توان ادعا کرد در طول تاریخ با تشکیل هر حکومت، قانون مالیات هم با آن حکومت همراه بوده است.

۲-۲-۴. از احکام ثانویه بودن مالیات

مسئله مهمی که وجود دارد این است که آیا تصویب مالیات در حکومت اسلامی از احکام اولیه می‌باشد یا از احکام ثانویه؟ احکام ثانویه احکامی است که در فرض عدم توانایی





انجام احکام اولیه (حرام و حلال) و به جهت تحصیل غرضی بر مکلف لازم می‌گردد؛
براین اساس، ممکن است عملی در احکام اولیه حرام یا حلال بوده ولی در حالت ثانویه
تغییر کرده و برعکس شده باشد یا حکمی برای آن نباشد؛ به عنوان مثال: هرچند باید نماز را
با وضو خواند، اما گاهی لازم است شخص به جهت اضطرار (عدم آب یا مریض شدن) به
جای وضو تیمم کند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۳۵۹ و ج ۵، ص ۵۰۷)

با این توضیح هرچند مالیات را به عنوان خراج^۱ تعبیر می‌کنیم و خراج با همه اوصافش
در کتب فقهی آمده است، اما همان‌طور که در تعریف مالیات گذشت، منظور، خراج و
مالیاتی است که حکومت و دولت اسلامی از اجناس و اموال و درآمدهای اشخاص ساکن
در کشور می‌گیرد که کمتر در کتب فقهی به آن پرداخته شده است و این نوع، همه
مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، بر سرانه یا واردات، مالیات بر ارث یا بر فروش، یا
مالیات بر ارزش افزوده و مانند آن را شامل می‌شود و این نوع از مالیات از عناوین ثانویه
فقهیه ما می‌باشد؛ چراکه آیه و روایتی در این باب نداریم. عناوین ثانویه، موارد متعددی را
شامل می‌شود؛ مانند اضطرار، ضرر و تقیه که می‌توان گفت این نوع از مالیات به خاطر
حاجة البلاد و مصالح العباد گرفته می‌شود. (حسینی نجومی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۶)

از طرفی دیگر، حکومتی که بر مبنای اسلام ایجاد شده است، دشمنان زیادی دارد و
همچنین، هزینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... بالایی دارد که برای رفع همه این مشکلات
و مشکلات عمومی مردم و کشور می‌بایست این نوع از مالیات گرفته شود، که بتوان جامعه را
اداره کرد، (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۲۱۳) اما همان‌طور که در قسمت اختصاصات خمس ذکر
شد خمس از احکام اولیه می‌باشد و همانند مالیات حکم ثانوی نیست.

۴-۲-۳. تعیین و تصویب مالیات

تعیین مالیات همانند خمس نیست؛ به این معنا که وضع و نصب آن توسط خداوند منان یا
رسولش انجام نشده، بلکه این اتفاق از طرف نمایندگان مردم یا رؤسای مردم... می‌افتد؛
مانند اصل پنجاه و یکم قانون اساسی که بیان می‌کند: هیچ نوع از مالیات وضع نمی‌شود،

۱. البته تعریف خراج در کتب فقها به گونه‌ای است که به محصولات زمین و مؤونه‌های آن برمی‌گردد و
احتمالاً تعاریف و مبانی آن مختلف است (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۳۴).



مگر به موجب قانون. و موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) یا به نظر برخی از علما کیفیت اخذ و استیفاء مالیات باید به تصویب و تعیین عدول مؤمنین مجلس کنونی هر محل (انجمن هر شهر) باشد. (لاری، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۴۴) البته بعضی دیگر معتقدند: می‌توان با کمک برخی از روایات به این نوع از مالیات اشاره کرد، اما باید مطالبی را در نظر گرفت و بررسی‌هایی را انجام داد. (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۲۱۳)

۴-۲-۴. فراگیر بودن مالیات حتی در ارث

مالیات طبق تعریفی که برای او بیان شد، می‌تواند به هر چیزی تعلق بگیرد و مصادیق زیادی داشته باشد؛ از جمله، مالیات ممکن است مستقیم باشد و در همان لحظه از شخص گرفته شود. همچنین، مالیات می‌تواند غیر مستقیم باشد و پرداخت مالیات در قبال خریدی که انجام می‌شود صورت بگیرد (مانند خرید شارژ تلفن همراه و...) و در استفتائاتی که از مرحوم امام شده به برخی از موارد مالیات اشاره شده است؛ مانند: مالیات بر اراضی، مالیات بر درآمد و... (امام، ۱۳۹۲، استفتانات، ج ۴، ص ۲۴۰ و ۶۸۸ و ۶۹۸)

حتی مواردی از قوانین مالیات وجود دارد که به ارث تعلق می‌گیرد و باید آن را پرداخت کرد؛ بدین‌صورت که مالیات به تناسب میزان ترکه میت از وراث متوفی گرفته می‌شود و اگر وراث، مالیات آن را نپردازند، اموال ارثی متوقف می‌شود؛ همانند ماده ۱۷ و ۳۴ از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحی ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).^۱ در صورتی که در مبحث خمس آمده است اگر خمس مالی که به ارث گذاشته شده است قبلاً توسط متوفی پرداخت شده باشد، دیگر پرداخت خمس نسبت به آن ارث بر وارثان واجب نیست. هر چند این مسأله اختلافی می‌باشد. (شهیدثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۴۶۵؛ محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۲۳)

۵-۲-۴. مقدار مالیات تابع قانون

همان‌طور که در مطالب قبل اشاره شد مالیات تابع قوانین است و هر چیزی که توسط قانون‌گذاران تصویب می‌شود، لازم‌الاجرا است؛ به‌عنوان مثال در ماده ۳ از لایحه قانونی



مالیات بردرآمد حقوق مصوب ۱۳۵۹/۰۴/۲۱ این گونه گزارش شده است:

نرخ مالیات بر درآمد حقوق به شرح زیر می باشد:

تا ۳۶۰۰۰۰۰ ریال درآمد، مشمول مالیات سالانه معاف

تا ۷۲۰۰۰۰۰ ریال درآمد، مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۳۶۰۰۰۰۰ ریال به نرخ ۸٪

...

تا ۴۸۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد، مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد ۳۶۰۰۰۰۰۰ ریال به

نرخ ۷۰٪ (سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی).^۱

این نمونه ای از تعیین قیمت های پرداخت مالیات می باشد که طبق شرایط زمانی و مکانی متغیر است. در حالی که مقدار خمس در همه زمان ها و مکان ها ثابت است و تغییر نمی کند که در اختصاصات خمس بیان شد.

۴-۲-۶. جریمه و مجازات در صورت عدم پرداخت مالیات

اگر شخص در موعد مقرر پرداخت مالیات آن را پرداخت نکند، طبق قوانین موجود جریمه می شود و باید بیش از آن مبلغ مالیات را بپردازد؛ به عنوان مثال در ماده ۳۴ از قانون مالیات های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ در مورد عدم پرداخت مالیاتی که بر عهده شخص است بیان شده است: در صورت تخلف، علاوه بر این که تا معادل ارزش مال مشمول وراثت، نسبت به پرداخت مالیات و جرائم متعلق، مسئولیت تضامنی دارند، مشمول جریمه ای به میزان دو برابر مالیات متعلق نیز خواهند بود. در مورد بانک ها، شرکت ها و مؤسسات دولتی متخلف و شرکا و معاونان وی در تخلف نیز مسئولیت تضامنی خواهند داشت (سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی).^۲

از نظر شرع هم در این مسأله مشکلی وجود ندارد؛ چرا که در استفتائات مرحوم امام در رابطه با این مسأله این گونه سؤال شده است که: بعضی از مالیات ها و عوارض مورد مطالبه دولت که در موعد معین پرداخت نشود مشمول جریمه دیرکرد می گردد، آیا این مبلغ که اضافه بر اصل مالیات یا عوارض اخذ می گردد و نسبت به تأخیر در زمان پرداخت میزان آن نیز افزایش می یابد ربا تلقی می شود یا خیر؟ جواب:

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99064>

2. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/935643>



بسمه تعالی، ربا محسوب نیست بلکه اضافه مالیات است. (امام، ۱۳۹۲، ج ۱۰، ص ۶۳۱)
در بعضی موارد، برای شخص متخلف علاوه بر جریمه، مجازات‌های قانونی دیگری همچون مجازات حبس در نظر گرفته می‌شود، در حالی که در مورد عدم پرداخت خمس به این نحو نیست و شخص، طبق قوانین مجازات نشده و به زندان نمی‌رود؛ به این معنا که اگر پرداخت کننده خمس از روی عمد تخلف کند، مرتکب کار حرام شده است، ولی مجازات قانونی دنیوی ندارد.

به عنوان مثال ماده ۲۷۰ از قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۶۶/۱۲/۰۳ آمده است: هرگاه بعد از تشخیص مالیات و غیرقابل اعتراض بودن آن معلوم شود که مأموران مالیاتی و یا نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور عضو هیأت حل اختلاف مالیاتی از روی تعمد یا مسامحه بدون توجه به اسناد و مدارک مؤدی بدون تحقیقات کافی درآمد مؤدی را کمتر یا بیشتر از میزان واقعی تشخیص داده‌اند، علاوه بر جبران خسارت وارده به میزانی که شورای عالی مالیاتی تعیین می‌نماید، متخلف به مجازات اداری حداقل سه ماه و حداکثر پنج سال انفسال از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

همچنین در ماده ۲۰۱ از قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ آمده است: هرگاه مؤدی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می‌باشد و بر خلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است استناد نماید یا برای سه سال متوالی از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و حساب سود و زیان خودداری کند علاوه بر جریمه‌ها و مجازات‌های مقرر در این قانون از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی‌های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).^۱

در صورتی که اگر شخصی خمس خود را پرداخت نکند، منجر به بیشتر شدن آن نمی‌شود، بلکه همان مقدار بر عهده و ذمه او باقی می‌ماند، تا این که آن را پرداخت کند که در مطالب قبل به آن اشاره شد.

۴-۲-۷. تعلق مالیات به دولت و عدم محاسبه سهمین

شخص نمی‌تواند مبلغ مالیات را به عنوان عمل عبادی به دولت پرداخت کند و با این کار

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91488>, <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93728>



خمس از گردن او ساقط نمی‌شود؛ و همان‌طور که گذشت امور مربوط به قوانین مالیات برعهده قانون‌گذاران بشری است و در استفتائات مرحوم امام آمده است که: آیا مالیات بر درآمد سالیانه که به وسیله دولت اخذ می‌شود، خمس محسوب می‌شود یا خیر؟ و همان‌گونه که استحضار دارید، کارکنان دولت در موقع دریافت حقوق، مالیات می‌پردازند، آیا این مالیات با توجه به این‌که دولت اسلامی است، می‌تواند به جای مقداری از خمس محسوب گردد؟ که در جواب آمده است:

بسمه تعالی، مالیات بابت وجوه شرعیه محسوب نمی‌شود. (امام، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۶۶۳ و ج ۳، ص ۱۸ و ج ۴، ص ۲۴۰)

همچنین، در توضیح المسائل سؤال شده است که: من در سال ۱۳۴۱ شمسی از امام خمینی تقلید نموده و حقوق شرعی خود را طبق فتاوی ایشان به او می‌پرداختم. در سال ۱۳۴۶ امام در ضمن پاسخ به سؤالی درباره حقوق شرعی و مالیات، فرمودند که حقوق شرعی همان خمس و زکات است، ولی مالیات جزء حقوق شرعی نیست. در حال حاضر که در دوران جمهوری اسلامی به سر می‌بریم، خواهشمندیم وظیفه ما را نسبت به حقوق شرعی مالی و مالیات بیان فرمائید.

جواب: مالیاتی که حکومت جمهوری اسلامی بر اساس قوانین و مقررات وضع می‌کند، هر چند پرداخت آن بر کسانی که قانون شامل آنان می‌شود، واجب است، و مالیات پرداختی هر سال از مئونه همان سال محسوب است، ولی از سهمین مبارکین محسوب نمی‌شود، بلکه بر آنان دادن خمس درآمد سالانه‌شان در زائد بر مئونه سال به طور مستقل، واجب است. (امام و مراجع، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۰۲)

به‌همین جهت خمس را باید در زمان امام معصوم علیه السلام به آن حضرت، و در زمان غیبت به مجتهد جامع الشرایط یا به نمایندگان او بدهند (علامه مجلسی، ۱۴۲۳، ص ۳۶۸؛ صاحب جواهر، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۴۲۲؛ امام، ۱۳۹۲، ص ۳۱۷، م ۱۸۳۴) ولی طبق تعریف و توضیحات بیان شده، مالیات بر خلاف خمس باید به دولت پرداخت گردد و نحوه مصرف آن توسط دولت و قانون‌گذاران تعیین می‌گردد.

۴-۲-۸. عام بودن تعلق مالیات

بعضی از قوانین مالیات به همه افراد تعلق می‌گیرد و این‌طور نیست برای پرداخت آن مواردی همچون کم بودن مال و جداکردن مؤونه‌های زندگی شرط باشد؛ مانند مالیات‌های غیرمستقیم یا مالیات بر ارزش افزوده، که بر کالاها و خوراکی جات و... تعلق می‌گیرد و در هر صورت مالیات آن را باید پرداخت؛ مانند قانون مالیات بر ارزش افزوده که در تاریخ ۱۳۸۷/۰۲/۱۷ تصویب شده است، که در این قانون موارد تعلق گرفتن مالیات به صورت مشروح بیان شده است (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)^۱، اما ذکر شد که خمس به هفت چیز تعلق می‌گیرد و گستره موارد وجوب آن مانند مالیات نمی‌باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۴۵۷)

۴-۲-۹. معاف شدن از مالیات

در پرداخت مالیات، شخص حقیقی یا حقوقی با اینکه توانایی پرداخت آن را دارد، اما گاهی به انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و... از پرداخت مالیات معاف می‌شود؛ به‌عنوان مثال در تاریخ ۱۳۶۷/۰۴/۱۵ قانونی توسط هیأت وزیران تصویب می‌شود مبنی بر این‌که: شرکت‌های کشتیرانی آرژانتینی به شرط معامله متقابل با شرکت‌های کشتیرانی ایرانی از پرداخت مالیات معاف می‌گردند. ترتیبات اجرایی این مصوبه را وزارت امور خارجه با هماهنگی دولت آرژانتین معین خواهد نمود (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)^۲. گاهی ممکن است این معافیت‌ها به جهت رشد اقتصادی یا تشویق وضع شوند؛ به عنوان مثال در مصوبات مجلس شورا در تاریخ ۱۳۷۶/۰۳/۰۶ قانونی جهت رشد سرمایه‌گذاری و توسعه به تصویب رسیده است؛ متن آن چنین است: آن قسمت از سود شرکت‌های پست جمهوری اسلامی ایران و مخابرات ایران که برای سرمایه‌گذاری و توسعه اختصاص داده می‌شود از پرداخت مالیات معاف می‌باشد. (همان)^۳

همچنین در لایحه قانونی مالیات بر درآمد حقوق، مصوب ۱۳۵۹/۰۴/۲۱ در قسمت معافیت‌ها ماده ۱۰ آمده است:

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/134203>

2. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/110923>

3. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92863>



رؤسا و اعضای مأموریت‌های سیاسی خارجی در ایران و رؤسا و اعضای هیأت‌های نمایندگی فوق‌العاده دول خارجی نسبت به درآمد حقوق دریافتی از دولت متبوع خود به شرط معامله متقابل، و همچنین رؤسا و اعضای هیأت‌های نمایندگی سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن در ایران نسبت به درآمد حقوق دریافتی از سازمان و مؤسسات مزبور در صورتی که تابع ایران نباشند از پرداخت مالیات معاف هستند.

در حالی که اگر خمس بر شخصی واجب شود، باید آن را پرداخت کند و همان‌طور که ذکر شد، بعد از وجوب، دیگر معافیتی وجود ندارد، اما مالیات، ممکن است پس از الزام قانونی بر کسی، توسط مسئولین ذی‌ربط طبق اغراضی ملغی شود. (همان)^۱

۵. نتیجه‌گیری

طبق مطالبی که بیان شد، روشن شد که خمس با مالیات از جهاتی دارای اشتراکات، و از جهاتی دیگر دارای افتراقاتی هستند؛ از اشتراکات مهم این دو می‌توان به طریقه مصرف، زمان پرداخت و نحوه محاسبه اشاره کرد و در جانب افتراقات نیز از مهمترین اختصاصات خمس می‌توان به جواز دست‌گردانی خمس و موجب حلیت و قابل تصرف شدن بقیه اموال، اشاره کرد. چنان‌که از مهمترین اختصاصات مالیات می‌توان به فراگیر بودن آن نسبت به ارث و جریمه و مجازات در صورت عدم پرداخت آن اشاره کرد.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ. ش

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/99064>

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). *من لا یحضره الفقیه* (چاپ دوم). قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية مؤسسة النشر الإسلامي.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة* (چاپ اول). قم: مكتب الاعلام الاسلامی.
۳. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳)، *الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة* (چاپ اول). قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة* (چاپ سوم). قم: مؤسسة آل البيت (علیه السلام) لإحياء التراث.
۵. حسینی نجومی، مرتضی (۱۳۸۰). *الرسائل الفقهية* (چاپ اول). قم: انصاریان.
۶. خمینی، روح الله (۱۳۹۲). *استفتائات امام* (چاپ اول). تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. _____ (۱۳۹۲). *تحریر الوسيلة* (چاپ سوم). تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (علیه السلام).
۸. _____ (۱۳۸۳). *تحریر الوسيلة* (چاپ بیست و یکم). ترجمه محمد قاضی زاده و علی اسلامی. قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
۹. _____ (۱۳۹۲). *توضیح المسائل* (چاپ هشتم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. _____ (۱۳۸۱). *توضیح المسائل امام و مراجع* (چاپ هشتم). قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ ق). *توضیح المسائل* (چاپ دهم). قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام* (چاپ اول). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا* (چاپ دوم). تهران، دانشگاه تهران مؤسسه انتشارات و چاپ.





۱۴. دیودوروس سیسیلی (۱۳۸۴). *ایران و شرق باستان در کتابخانه تاریخی*، ترجمه حمید بیکنس شورکایی و اسماعیل سنگاری. تهران: جامی.
۱۵. زارعی سبزواری، عباسعلی (۱۴۳۰ ق). *القواعد الفقهية في فقه الإمامية* (چاپ اول). قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۶. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۴۲۱ ق). *جواهر الكلام* (چاپ اول). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۱۷. طباطبایی کربلایی، علی بن محمد (۱۴۱۸ ق). *ریاض المسائل* (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق). *مجمع البیان* (چاپ دوم). بیروت: دارالمعرفة.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). *الخلاف* (چاپ اول). قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق). *تذکرة الفقهاء* (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین* (چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
۲۲. فلاحزاده، محمدحسین (بی تا). *درسنامه فقه* (چاپ اول). قم: دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه.
۲۳. گزنفون (۱۳۸۴). *لشکرکشی کوروش*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: دنیای کتاب.
۲۴. عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۵. لاری، عبدالحسین بن عبدالله (۱۴۱۸ ق). *مجموعه رسائل* (چاپ اول). قم: کنگره بزرگداشت آیت الله سید عبدالحسین لاری.
۲۶. مجلس خبرگان، *قانون اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تاریخ تصویب: ۱۳۶۸/۰۵/۰۶
۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۲۳ ق). *زاد المعاد - مفتاح الجنان* (چاپ اول). بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
۲۸. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). *شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام* (چاپ دوم). قم: اسماعیلیان.

۲۹. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷). **ولایت فقیه** (چاپ دوم). قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.

۳۰. معین، محمد (۱۳۵۳). **فرهنگ فارسی معین**. تهران: چاپخانه سپهر.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه** (چاپ سی و دوم). تهران: دار الکتب الإسلامية.

۳۲. _____ (۱۳۸۵). **دائرة المعارف فقه مقارن** (چاپ اول). قم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب علیه السلام.

۳۳. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). **مبانی فقهی حکومت اسلامی** (چاپ اول). ترجمه محمود صلواتی. قم: کیهان.

۳۴. نایینی، محمدحسین (بی تا). **أجود التقریرات**، مقرر ابوالقاسم خوئی (چاپ اول). قم: کتابفروشی مصطفوی.

۳۵. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲ ق). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام** (چاپ اول). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

۳۶. یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم (۱۴۰۹ ق). **العروة الوثقی** (چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

فرهنگ نامه

۳۷. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی فرهنگ نامه اصول فقه قم - ایران پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ۱۳۸۹. نوبت چاپ: اول.

مقالات

۳۸. بابایی، بهار (۱۳۹۶). **فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی**، شماره ۱۸، تهران: نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی.

۳۹. رضائی و دیگران، زمستان (۱۳۹۱). **فصلنامه پژوهشنامه مالیات**، شماره ۶۴، تهران: نشریه پژوهشنامه مالیات.

سایت

۴۰. سایت مجلس شورای اسلامی، قسمت مرکز پژوهش ها (<https://rc.majlis.ir/fa>).

